

## حقوق دینی، حقوق خانواده و حقوق بشر زنان

شارن شن هاو\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۱۲ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۲۷

DOI: 10.22096/hr.2020.117152.1173

## چکیده

به طور تاریخی حقوق خانواده، به ویژه در زمینه ازدواج و طلاق تحت تأثیر قوانین دینی قرار گرفته است. حتی در کشورهای سکولار که جدایی دین و حکومت بر اساس قانون اساسی مجاز است مانند ایالات متحده آمریکا، سنت ها و قوانین دینی ادیان مختلف تأثیرات عمیقی بر نهاد ازدواج گذاشته است. بازمینی قوانین قضایی مربوط به مسائل ازدواج و طلاق نشان می دهد که اغلب از قضاات دادگاه مدنی خواسته می شود که به قوانین دینی رجوع کنند زیرا که قوانین دینی بر حقوق و تعهدات طرفین تأثیر می گذارد. اعضای جوامع مختلف دینی که مایل به خروج ازدواج خود هستند، قبل از اینکه به دنبال نماینده قانونی باشند، اغلب جهت اخذ اطلاعات و مشاوره به روحانیون دین خود مراجعه می کنند. امروزه کشورهایی که درجات متنوعی از قوانین دینی بخشی از سیستم حقوقی آنها می باشد، حوزه ازدواج و طلاق بیشترین استفاده را از منابع دینی و سنتی داشته است. این به خاطر این واقعیت است که ازدواج و طلاق در یک زندگی روزمره و عملی، حوزه ای است که قوانین دینی بیشترین تأثیر را دارند. از این رو در کشورهای مانند ایران، قوانین اسلامی همان طور که حقوق و تعهدات طرفین را در زمان ازدواج مشخص میکنند در زمان انحلال نکاح نیز حقوق و تعهدات طرفین را اعلام می کنند. در ایالات متحده آمریکا و اروپا، یهودیان در زمان نکاح و یا انحلال آن از قوانین یهودی پیروی می کنند. به طور مشابه، کاتولیکهای رومی که در ایالات متحده و کشورهای سکولار اروپایی ازدواج می کنند، تحت قانون کاتولیک قرار دارند. وکلا، قضاات، محققان، روحانیان، رهبران



مذهبی، رهبران غیر مذهبی و فعالان حقوق زنان به طور فزاینده ای به تعامل میان قوانین مذهبی و حقوق بشر که ازدواج و طلاق را تحت تاثیر قرار می دهند، علاقه مند شده اند. افزایش چشمگیر انحلال ازدواج در میان کاتولیک ها، یهودیان و مسلمانان در چند دهه گذشته این علاقه را به حقوق و تعهدات طرفین در زمان نکاح و انحلال آن متمرکز کرده است. زنان معتقد هستند در زمان ازدواج و طلاق که قوانین مذهبی اعمال می شود، قربانی تبعیض و عدم برابری می شوند زیرا که قوانین مذهبی توسط روحانیون مرد تفسیر و کنترل می شود. به عنوان یک وکیل حقوق زنان یهودی، نویسنده مسایل مرتبط با حقوق بشر را توضیح خواهد داد که وقتی زنان یهودی در دین یهودیت به دنبال طلاق هستند ایجاد می شود. این مقاله بر تلاش های سازمان های زنان در جوامع یهودی در سراسر جهان تمرکز خواهد کرد تا عدالت و انصاف را به طلاق مذهبی بازگرداند. فعالان حقوق زنان و علمای مذهبی زن با هم کار کرده اند تا بر تشکیلات مذهبی یهودی و قضات دادگاه مذهبی تأثیر بگذارند و راه حل هایی را برای مشکل زنان یهودی که به دلیل آنکه شوهرانشان از دادن طلاق مذهبی خودداری می کنند قادر به ازدواج مجدد نیستند، پیدا کنند. تفسیر خلاقانه از منابع مذهبی همراه با استفاده از ائتلافها برای تغییر، در این مقاله توصیف و ارزیابی خواهد شد.

واژگان کلیدی: حقوق دینی؛ حقوق خانواده؛ حقوق بشر زنان و هویت یهودی.

## مقدمه

بنا به سنت زنان یهودی از راه پایبندی و دل‌بستگی نسبت به شوهران، فرزندان و خانواده‌شان به هویت‌دینی و فرقه‌ای خود دست یافته‌اند. ساره، همسر نخستین نیای یهود ابراهیم، که نامش در تورات آمده است، معروف به «مادر قوم‌ها» است. وی، زنی وظیفه‌شناس و محبوب و شریکی وفادار است که همراه شوهرش حرکت می‌کند. خداوند به شوهرش فرمان می‌دهد که «از سرزمینت و از میان خویشاوندان و خانه پدریت بیرون رو و به سرزمینی که به تو نشان خواهم داد عزیمت کن، و من از تو ملتی بزرگ خواهم ساخت.» (سفر پیدایش ۱۲:۱-۲). ساره به عنوان میزبان و کدبانو، برای فرستاده‌های الهی کیک می‌پزد. آنها به خیمه ابراهیم و ساره می‌آیند تا به ابراهیم بگویند که ساره با وجود سالخورده بودن، صاحب یک پسر خواهد شد. کتاب مقدس وفات ساره را در سن صد و بیست و هفت سالگی ثبت می‌کند. با کمال تأسف و اندوه برای ما نقل می‌کند که ابراهیم جسد نخستین ما در [قوم بنی اسرائیل] را در غار مکفیله (Machpela) به خاک می‌سپارد؛ غاری که خود ابراهیم پس از وفاتش در آن دفن خواهد شد.

وظایف سنتی همسر، مادر و کدبانو همچنان در جوامع یهودی در سراسر جهان از اهمیت عمده‌ای برخوردار است. جمعه شب‌ها، زمانی که خانواده دور میزشان جمع می‌شوند تا آغاز شنبه را جشن بگیرند، شوهران یهودی، برای همسرانشان شعر قدیمی و عبری (Eshet Chayil) معروف به «زن شجاع» را می‌خوانند. این قصیده که برگرفته از امثال سلیمان (۳۱:۱۰-۳۱) است، در طی هزاران سال برای زن یهودی، نمونه ایده‌آل بوده است. این شعر چنین است:

چه کسی می‌تواند زنی شجاع پیدا کند؛ ارزش این زن بسیار فراتر از ارزش یاقوت‌هاست، شوهرش به او اعتماد می‌کند و داراییش تمام نخواهد شد.

این زن در تمام ایام عمرش به شوهرش نیکی می‌کند نه بدی؛

او دنبال پشم و کتان می‌گردد و با دستانش با رغبت تمام کار می‌کند؛

او همانند کشتی‌تجار، غذایش را از دوردست فراهم می‌کند؛

او در حالیکه هوا هنوز تاریک است، از خواب بلند می‌شود و آذوقه اهل خانه‌اش و خوراک روزانه خدمتکارانش را تدارک می‌بیند؛

او سخت مشتاق مزرعه‌ای است و آن را می‌خرد؛ او با دستانش باغ انگور می‌کارد؛

او کمر خود را محکم می‌بندد و وظایفش را با شور و حرارت انجام می‌دهد؛  
تجارت خود را می‌بیند که خوب است؛ شب‌ها هرگز شمع او خاموش نمی‌شود؛  
دستانش شروع به کار با فرموک می‌کنند، انگشتانش دوک را به کار می‌اندازند، او، سخاوتمندانه  
به فقرا کمک می‌کند؛ دستانش به تهیدستان یاری می‌رساند. او به خاطر بارش برف نگران  
خانواده‌اش نیست زیرا همه اهل خانه‌اش با اطلس پوشیده شده‌اند؛  
او برای خود اسباب زینت می‌سازد، لباس او، ابریشمی و ارغوانی است؛  
شوهرش در دربارها معروف است زیرا وی در زمره بزرگان ولایت می‌نشیند؛  
او پارچه کتانی ظریف می‌بافد و آنرا می‌فروشد؛ و کمربندها را به تاجران تحویل می‌دهد؛  
توان و شرافت، جامه اوست و در آینده شادی خواهد کرد؛  
او خردمندانه صحبت می‌کند و در زبان او، قانون محبت است؛  
او به خوبی مراقب رفتار خانواده‌اش است و نان بیکاری و تبلی نمی‌خورد؛  
فرزندان و شوهرش بیدار می‌شوند و فرزندانش او را خوشبخت می‌خوانند و شوهرش او را  
می‌ستاید؛  
خیلی از دخترها با تظاهر به فضیلت رفتار کرده‌اند اما تو از همه آنها برتری؛  
جمال فریبکار و زیبا باطل است اما زنی که از خداوند بترسد، ستودنی خواهد بود؛  
به او از میوه و ثمره دستانش بده و بگذار کارهایش او را در دروازه‌ها بستایند؛  
در دین یهود، بیشتر مناسک دینی، بر مبنای خانه و خانواده استوار است. همسر و مادر است که  
خانه را مهیا و جوی را ایجاد می‌کند که باعث می‌شود خانواده بتوانند در این فعالیت‌های سنتی  
شرکت کنند.

الگوی زن به عنوان نیرو و عامل اصلی و محوری در زندگی خانواده یهودی، تأثیر طولانی  
و شدیدی داشته است. در جوامع قدیمی یهودی، ازدواج، عنصر اصلی و بنیادی جامعه یهود  
محسوب می‌شد زیرا زمانی که دو یهودی با هم ازدواج می‌کردند، یک خانواده با ایمان در میان  
بنی اسرائیل تشکیل می‌دادند (پانوشت کتاب سیلویا فیشرمن صص ۱۸ به بعد). در بسیاری از

دوره‌های تاریخ یهود، زنان در تجارت و مراکز تجاری به عنوان تاجر و صنعتگر فعالیت داشتند. اما قطع نظر از فعالیت های زن، ازدواج، هنجار، نمونه و مقدس قلمداد می شد.

تعادل احساسی نهاد خانواده، یکی از اهداف حیاتی شریعت و آداب و رسوم یهود بود. همه اعضای خانواده به ویژه زوجه که کانون اخلاق و احساسات در خانواده قلمداد می شد، وظیفه داشتند توجه عمده و اصلی خود را به آرامش روحی و رضامندی خانواده معطوف دارند.

(Shalom Bayit)

نیمه دوم قرن بیستم با فرصت‌های بی‌سابقه‌ای که برای تحصیلات بالاتر در موضوعات دینی و غیردینی برای زنان فراهم کرده، تأثیر عمیقی بر زنان یهودی سراسر جهان گذاشته است. از همان آغاز نهضت فمینیسم در ایالات متحده که خواستار تساوی اقتصادی و سیاسی بود، زنان یهودی در صف مقدم رهبری [این نهضت] بودند. زنان یهودی با تحصیلات عالی، شروع به استفاده از مهارت‌ها و دانش خود در مشاغل بیرون از خانه کردند. آنها استقلال اقتصادی خود را گسترش دادند. آنها، همزمان خواهان فرصت های برابر و رفتار یکسان در نهادهای دانشگاهی، محل کار و مشاغل خود شدند.

در اوایل دهه ۱۹۷۰، با شدت یافتن خود آگاهی و اعتماد به نفس [زنان] یهودی در کل جامعه، فمینیست‌های یهود، توجه خود را به درون خود معطوف ساختند (پانوش ادلرو ویس رزمین) آنها به بررسی زندگی و ارزش‌های سنتی یهود پرداختند. اینک نقطه تمرکز، تجربه زنان از یهودیت بود که غالباً با دیدی انتقادی صورت می‌گرفت.

گروه‌های مذهبی و تحقیقاتی که تمام افراد آنها را زنان تشکیل می‌دادند، به عنوان زنان یهودی که نسبت به شریعت یهود، آگاه‌تر شده بودند شکل گرفت. زنان یهود، در کنار این دستیابی افزایش یافته به دانشی که در طی قرن‌ها تنها برای مردان میسر بود، توجه خود را به بی عدالتی‌های ناشی از تفسیر مردسالارانه از شریعت یهود، معطوف کردند.

زنان دانشمند و دانشجویان شروع به نقد و مورد سوال قرار دادن مناسک سنتی کردند. زمانی که آنها تحقیقات خود را انتشار دادند (غالباً به شکل ادبیات رایج که قابل استفاده برای خوانندگان بیشتری بود)، رویکرد جدید، توجه جریان غالب زنان یهودی را به خود جلب کرد.

بی‌عدالتی در قانون طلاق آئین یهود تا آنجا که به زنان مربوط می‌شد، به موضوعی فوق‌العاده جالب و گریزناپذیر برای بخش عظیمی از جامعه تبدیل شد. همزمان با رشد آمار طلاق در میان

جامعه‌یهود در طی ربع اخیر قرن بیستم، تعداد پرونده‌هایی که در آنها زنان دچار صدمه و رنج شده بودند نیز به همان صورت افزایش یافت. از آنجا که زنان یهودی، ظهور و نمود بسیاری در مشاغل حقوقی داشتند، آنها به استفاده از مهارت‌های شغلی خود برای حذف تبعیض در دادگاه‌های مذهبی یهود پرداختند. آنها ضمن همکاری با زنان متخصص در شریعت یهود، به تفاسیر سنتی مردسالارانه از قانون طلاق در دین یهود اعتراض کردند. فعالان حقوق زنان با خاطرنشان کردن این که زنان در اثر این تفاسیر سنتی، متحمل رنج و صدمه می‌شوند، خواهان آن شدند که به این بی‌عدالتی فراگیر، بذل توجه شود.

سازمان‌های غیر دینی زنان یهود که در طی چندین دهه، به اقدامات خیرخواهانه می‌پرداختند، به تدریج گستره فعالیت‌های خود را به نحوی توسعه بخشیدند که موارد نقض حقوق بشر را که زنان یهودی در فرایند طلاق دینی از آن رنج می‌بردند، شامل شود.

#### حقوق بشر

انجمن بین‌المللی زنان یهود، سازمانی فراگیر است که در ۴۹ کشور جهان در امریکای شمالی، امریکای جنوبی، اروپا، آسیا و آفریقا شعبه دارد. این انجمن در اوایل قرن بیستم بنیان نهاده شد. رئیس این انجمن خانم جون جاکوبس که به تازگی انتخاب شده، در ۱۵ مه سال ۱۹۹۶ م در کمیته اجرایی در پاریس از تأسیس کمیته ویژه وکلای خبر داد و دکتر شارون شنهاو، از وکلای معروف حقوق زنان را به ریاست این کمیته برگزید. مأموریت این کمیته، بررسی امکان استفاده از اسناد حقوق بشر بین‌الملل برای ارائه راه‌حلی برای مسأله (Agunah) بود. قضات و وکلای زن یهودی برای پیوستن به این کمیته دعوت شدند و گروه ممتازی برای تحقیق درباره این موضوع و آماده کردن گزارش‌هایی درباره اسناد مشخص داوطلب شدند. افراد داوطلب شامل دو قاضی از انگلستان، یک قاضی از ایالات متحده و وکلایی از هونگ کونگ، کانادا، فرانسه، آفریقای جنوبی و اسرائیل بود. این گروه گزارشی را آماده نمود و آنرا در نوامبر سال ۱۹۹۷ م، تقدیم کمیته اجرایی انجمن بین‌المللی زنان یهود کرد. این گزارش حاوی مطالب ذیل بود:

#### تشریح مشکل

مشکل زنان یهود که نمی‌توانند به این علّت که شوهرانشان آنها را طلاق شرعی (Get) نمی‌دهند، دوباره ازدواج کنند، معروف است و همگان آنرا می‌دانند. این دسته از زنان به زنان محبوس و

در بند (Agunot) معروفند. بر طبق شریعت یهود، برای تحقق طلاق لازم است شوهر داوطلبانه پیشنهاد طلاق بدهد و زوجه آن را بپذیرد. هیچ زنی در اسرائیل نمی‌تواند بدون طلاق شرعی (Get) مجدداً ازدواج کند چرا که ازدواج و طلاق تحت کنترل شریعت است و ازدواج و طلاق مدنی وجود ندارد. در جوامع یهودی خارج از اسرائیل که در آنها ازدواج و طلاق مدنی امکان‌پذیر است، زمانی که می‌خواهند با رعایت آداب و سنن در مراسمی سنتی ازدواج مجدد کنند، لازم است طلاق شرعی داشته باشند. بنا به برآورد کارشناسان در حال حاضر، هزاران تن از زنان یهودی در سرتاسر دنیا، گرفتار ازدواج‌های ناخواسته‌ای که وجود خارجی ندارند، هستند. این امر به خوبی به اثبات رسیده که در بیشتر پرونده‌های مربوط به شوهران نافرمان، طلاق ندادن به خاطر اخاذی اقتصادی است. گروه‌ها با علم به اینکه اگر زوجه حاضر نشود در ازای طلاق خود، حقوق خود را نسبت به تقسیم عادلانه اموال مربوط به زناشویی اسقاط کند یا هر مبلغ فراوان مورد مطالبه شوهر را به او بدهد، قادر به ازدواج مجدد نخواهد بود (Agunah) درباره شرایط انتقال [حق] طلاق مذاکره می‌کنند.

اما اگر زوجه طلاق را نپذیرد، شوهر یهودی او می‌تواند دوباره ازدواج کند. به لحاظ تاریخی شریعت یهود، تصریح می‌کرد که مرد می‌تواند چند همسر داشته باشد اما زن یهودی محدود به یک شوهر است. تفسیر جدید شریعت یهود به شوهری که همسرش طلاق را نمی‌پذیرد اجازه می‌دهد همسر دوم اختیار کند. افزون بر این، فرزندان همسر دوم، به لحاظ دینی لکه تنگی نخواهند داشت اما فرزندان یک (Agunah) در صورتیکه پدرشان، شوهر آن زن نباشد، به لحاظ دینی لکه تنگی خواهند داشت که مانع ازدواج آنها با یهودیان می‌شود. به چنین فرزندان (Mam Zerim) گفته می‌شود.

نابرابری در طرز برخورد شریعت یهود با زنان تا آنجا که به ازدواج و طلاق امروزی مربوط می‌شود و بی‌عدالتی پدید آمده در جامعه یهود موضوع تحقیق و بررسی کمیته ما درباره اسناد حقوق بشر بین‌الملل و امکان استفاده از آنها برای [حل] مشکل (Agunah) است. پنج سند ذیل مورد تحقیق ما قرار گرفتند:

#### ۱- اعلامیه جهانی حقوق بشر

ماده شانزدهم اعلامیه جهانی حقوق بشر که در دهم دسامبر سال ۱۹۴۸ م مجمع عمومی سازمان ملل آنرا تصویب کرد، حق برابری در مورد ازدواج را بیان و مقرر می‌دارد که «هر مرد و زنی بدون

هیچ گونه محدودیت از نظر نژاد، ملیت یا دین حق ازدواج و تشکیل خانواده دارند. آنها به هنگام ازدواج و فسخ آن و نیز در طول زندگی زناشویی از حقوق مساوی برخوردارند» (تأکید اضافه شده است).

۲- پیمان کشورهای اروپایی برای حمایت از حقوق بشر و آزادی های اولیه

این پیمان که غالباً «پیمان کشورهای اروپایی درباره حقوق بشر» خوانده می شود، در چهارم نوامبر سال ۱۹۵۰ م در رم به امضاء رسید. کشورهای عضو اتحادیه اروپا این پیمان را تصویب کردند تا از طریق بستن پیمانی درباره حقوق بشر، اجرای اعلامیه جهانی سازمان ملل درباره حقوق بشر را افزایش دهند. دادگاه حقوق بشر اروپا (ECHR) این پیمان را به اجرا می گذارد. شهروندان ساکن در چهل کشور عضو اتحادیه اروپا می توانند در این دادگاه اقامه دعوی کنند.

چندین ماده از این پیمان از حکم نقض حقوق (Agunah) حمایت می کند.

برخی از این ماده های مربوطه عبارتند از:

ماده ۱۲:

«مردان و زنانی که به سن ازدواج رسیده اند، حق دارند بر طبق قوانین داخلی حاکم بر اجرای این حق، ازدواج کنند و تشکیل خانواده دهند».

پروتکل شماره ۷ ماده ۵

«همسران نسبت به ویژگیهای قانون خصوصی بین آنها و در روابط خود با فرزندان خود در مورد ازدواج و زمان فسخ آن و در طی زندگی زناشویی از حقوق و مسئولیت های یکسان برخوردارند».

۳- پیمان بین المللی درباره حقوق سیاسی و مدنی

این پیمان که مجمع عمومی سازمان ملل آنرا در ۶ دسامبر ۱۹۶۶ م تصویب کرد، در بردارنده ماده هایی است که حق زن و مرد را نسبت به ازدواج و تشکیل خانواده به رسمیت می شناسد علاوه بر این قید و شرطی به هدف منع تبعیض بین زن و مرد و تضمین حقوق مادی برای مردان و زنان، صرف نظر از هرگونه وابستگی دینی، وجود دارد. بر اساس تفسیر کمیته حقوق بشر سازمان ملل، این قیود و شرایط، کشورهای عضو را مجبور می کند که برای تضمین تساوی حقوق و مسئولیت های همسران در مورد اصل ازدواج و فسخ آن با انجام اقدامات قانونی و اجرایی و



مانند آن گام‌های مناسبی بردارند .

۴- پیمان حذف هرگونه تبعیض علیه زنان (CEDAW)، که این پیمان که مجمع عمومی سازمان ملل آن را در ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ م به تصویب رساند، ماهیتاً اعلامیه بین المللی حقوق زنان است. این پیمان در يك توافقنامه حقوق بشرین الملل جامع، قیود اسناد موجود سازمان ملل درباره تبعیض براساس جنسیت را گردآوری می‌کند و ضمن گسترش بیشتر آنها يك ابزار واقعی برای حذف تبعیض علیه زنان ایجاد می‌کند.

ماده ۱۶ از این قرار است:

کشورهای عضو همه اقدامات مناسب برای حذف تبعیض علیه زنان در تمام مسائل مربوط به ازدواج و روابط خانوادگی را انجام خواهند داد و به طور خاص بر مبنای تساوی مرد و زن، موارد زیر را تضمین می‌کنند:

الف- حق یکسان نسبت به ازدواج

ب- حقوق و مسئولیت‌های یکسان در طی ازدواج و زمان فسخ آن

کمیته حذف تبعیض علیه زنان در سیزدهمین نشست خود که در سال ۱۹۹۴ برگزار شد، بیست و یکمین توصیه عمومی خود را درباره تساوی در ازدواج و روابط خانوادگی صادر کرد که در بردارنده چند حکم مناسب درباره (Agunot) است از جمله:

- نظام حقوقی، دین، آداب و رسوم و سنت درون يك کشور هر چه که باشد، برخورد دو سلوک با زن در خانواده، چه به لحاظ حقوقی و چه به صورت خصوصی، باید برطبق اصول برابری و عدالت برای همه مردم باشد (بند ۱۳):

- نقطه محوری زندگی، شرافت و برابری زن به عنوان يك انسان، حق او نسبت به انتخاب يك همسر و آزادانه ازدواج کردن است (بند ۱۶):

- کاربرد قوانین و آداب و رسوم تبعیض‌آمیز در حوزه خصوصی، هیچ‌گونه دلیل موجهی ندارد (بند ۱۲):

- دولت‌های عضو لازم است قاطعانه جلوی هرگونه عقیده و نظر نابرابری میان مردان و زنان را که مورد تأیید و اثبات شریعت و آداب و سنن است بگیرند (بند ۴۴):

## ۵- اعلامیه پکن

این اعلامیه را ۱۸۹ کشور شرکت کننده در چهارمین کنفرانس جهانی سازمان ملل درباره زنان در ۱۵ سپتامبر ۱۹۹۵م در شهر پکن تصویب کردند. این اعلامیه بر لزوم حقوق برابر و شرافت انسانی ذاتی زنان و مردان آنطور که در اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر اسناد حقوق بشر بین الملل به ویژه پیمان حذف هرگونه تبعیض علیه زنان پاس داشته شده است مجدداً تأکید کرد.

در فصل اول بیان می دارد: تساوی میان مرد و زن، از مسائل حقوق بشر و شرط تحقق عدالت اجتماعی است؛

در فصل پنجم اذعان می کند که زنان به خاطر عواملی چون «دین خود» در راه برابری و پیشرفت کامل با موانعی روبرو هستند و از دولتها درخواست می کند که قانون داخلی خود را از جمله قوانین عرفی و رویه‌های قانونی در حوزه قانون خانواده را مورد بازنگری قرار دهند تا اجرای اصول و آیین دادرسی تمام اسناد حقوق بشر بین الملل مربوط را از راه قانونگذاری داخلی تضمین کنند، هر قانونی را که بر اساس جنسیت، تبعیض قایل می شود لغو کنند و در اجرای عدالت، جانبداری جنسیتی را بردارند. (بند ۲۳۲ d)

با بازنگری در اسناد حقوق بشر بین الملل مذکور که طی ۵۰ ساله گذشته به تصویب رسیده می توان استدلال کرد بر اینکه زنان یهودی که (Agunot) هستند، قربانی نقض حقوق بشر در حوزه‌های مختلف هستند:

اولاً: امروزه زنان یهود حق برابری در ازدواج را ندارند. زن یهود در ازدواج ناخواسته‌ای که غالباً وجود خارجی ندارد، در بند شوهرش خواهد ماند مگر اینکه به خواسته‌های مالی غیرمنطقی و فراوان شوهرش تن در دهد (حق السکوت).

ثانیاً حق (Agunah) در دوران معاصر، نسبت به برابری در ازدواج مجدد، نقض می شود. زن یهودی بر خلاف شوهرش که می تواند بدون اینکه طلاق شرعی بگیرد، همسر دوم اختیار کند، چنین اجازه‌ای ندارد. او بدون طلاق شرعی نمی تواند دوباره ازدواج کند.

ثالثاً: از حق مساوی تشکیل خانواده نیز تخطی می شود. بر طبق شریعت یهود فرزندان يك (Agunah)، (Mamzerimo) خواهد بود در حالیکه همین شریعت به فرزندان شوهر نافرمان

او مشروعیت می‌بخشد. مادامی که شوهر، زن یهودی خود را طلاق ندهد، حق این زن نسبت به تولید مثل، شدیداً نقض می‌شود.

امروزه زنان یهودی، فرهیخته‌ترین و سازمان‌یافته‌ترین گروه زنان در دنیا هستند. با این حال، ما قربانی نقض حقوق بشریم؛ نقضی که مبنایش این حقیقت است که ما یهودی هستیم. با کمال تأسف علیرغم دستاوردهای چشمگیری که در بسیاری از حوزه‌ها داشته‌ایم، نتوانسته‌ایم تبعیض علیه زنان یهود در قانون خانواده را پایان بخشیم و مسئله اسفبار (Agunah) همچنان هر روز قربانی می‌گیرد. همزمان با اینکه آماده می‌شویم سالگرد اعلامیه جهانی حقوق بشر را جشن بگیریم، زمان آن فرا رسیده که خواسته خود مبنی بر تساوی زنان یهود در ازدواج و طلاق را اعلام کنیم. پایان قرن بیستم باید شاهد پایان این تبعیض شرم‌آور علیه زنان در جامعه یهود باشد.

پیشنهاد ما این است که انجمن بین‌المللی زنان یهود تأسیس یک سازمان بین‌المللی مراقبت بر حقوق بشر زنان یهودی را مورد بررسی قرار دهد. این سازمان می‌تواند نتیجه تحقیقات کمیته ما را عملی کند. سرانجام سازمان‌های دینی زنان یهود به مبارزه برای بازگرداندن عدالت و برابری به فرایند طلاق پیوستند. سازمان‌های جدیدی، شکل گرفتند که به همین موضوع پرداختند مثل اتحاد فمینیست‌های ارتدوکس یهود (JOFA)، در اولین اجلاس بین‌المللی آنها که در فوریه ۱۹۹۶م در نیویورک برگزار شد سیل حمایت مردم آنها را بهت زده کرد. در این جلسه که در هتل گراند هیات مهنتن برگزار شد جمعیتی قریب به ۲۰۰۰مرد و زن شرکت کردند.

از آنجا که مطبوعات پرتیراژ یهودی تحولات و پیشرفت‌ها را دنبال کردند، فشار برای تغییر و تحول بسیار زیاد شد. اینک آن زنان مقید به شرع به مبارزه پیوسته بودند و تشکیلات یهود ارتدوکس در سراسر جهان، راهی جز پاسخگویی نداشتند. در ابتدا پاسخ حالت تدافعی داشت و ادعا می‌کرد به هیچ وجه مشکلی وجود ندارد. خاخام‌ها می‌گفتند که آنها همواره از تمام قدرت و توانایی خود برای کمک به زنان استفاده کرده‌اند و موفق شده‌اند.

زنان یهودی با تسلط و مهارت‌های جدیدی که نسبت به شریعت یهود پیدا کرده بودند، متوجه شدند که هویت دینی آنها به تفسیر مجدد سنت بسته است. تفسیری که با مفاهیم حقوق بشر نظیر برابری، انصاف و عدالت سازگار باشد. آنها رویکرد توجیه آمیز رهبران دینی مرد را که ادعا می‌کردند زنان یهود همواره مورد احترام و تکریم سنت و شریعت یهود بوده‌اند نپذیرفتند. زنان یهود استدلال می‌کردند بر اینکه آن تفسیری از شریعت یهود که به شوهران حریص و کینه توز

اجازه می دهد در قرن ۲۰ و ۲۱ با طلاق ندادن از زنان خود سوء استفاده کنند، تحریف ارزش های متعالی و انسانی است که عهد عتیق گواه بر آنهاست.

دانشمندان و فعالان حقوق زنان یهود با همکاری سازمان های زنان به شیوه های متعدد تشکیلات دینی ارتدوکس را به چالش کشیدند.

### تفسیر منبع

یکی از مبتکرانه ترین شیوه ها این بود که برای دانشمندان زن متخصص در شریعت یهود، این امکان را فراهم ساخت که تحقیقات خود درباره موضوعات مربوط به حقوق زنان در طلاق شرعی را منتشرکنند. در سال ۱۹۹۹ م در مؤسسه مطالعات یهود شکستر در اورشلیم، یکی از مراکز دانشگاهی برای دانش معاصر یهود، مرکز زنان در شریعت یهود تشکیل یافت. این دانشکده وابسته به مدرسه کلامی یهودی آمریکا در نیویورک است. این مرکز که با کمک مالی بنیاد فورد تأسیس شد، در نظر داشت برای مشکل (Agunah) (زن محبوس و دربند)، از شریعت یهود (Halakhic) راه حل هایی بیابد. اینها زنان معاصریند که مجبورند سالها منتظر بمانند تا شوهرانشان آنها را طلاق شرعی (Get) دهند. از آنجا که به حکم شریعت یهود، شوهر باید همسرش را طلاق دهد، موقعیت شرم آوری پدید آمده که به موجب آن بعضی از شوهران حریص و کینه جو [به طلاق] رضایت نمی دهند. در اکثر موارد مربوط به (Agunah) شوهر همسرش را طلاق نمی دهد مگر پس از آنکه زوجه، پول قابل ملاحظه ای به او بدهد یا حقوق خود نسبت سهم قانونی اش از نصف اموال متعلق به زناشویی را اسقاط کند. اگر زوجه نتواند یا نخواهد پول نقد یا املاک مورد مطالبه شوهر را به او بدهد (Agunah) (زن محبوس و دربند) خواهد ماند و حق نخواهد داشت دوباره با مرد دیگری ازدواج کند یا از او صاحب فرزند شود مگر آنکه شوهرش به رها کردن او رضایت دهد.

در اوایل قرن بیستم، بسیاری از رهبران دینی یهود مثل نخستین خاخام بزرگ ابراهیم اسحاق کوک پیش بینی کردند که استقرار مجدد حاکمیت سیاسی یهود، فرصتی تاریخی فراهم آورد تا از طریق تفسیر و اعمال جدیدی از شریعت نسبت به شرایط فعلی، به پیشرفت و توسعه شریعت یهود، کمک عمده ای صورت گیرد. افزون بر این، راوکوک اذعان کرد که نیاز است «برای اجرای اصلاحاتی که دادگاه که برای رضایت خدا و با تأیید مردم انجام وظیفه می کند، آنها را برای سعادت عموم لازم می داند» قانون جدیدی وضع شود. گرچه بسیاری از دانشمندان شریعت

یهود، تشکیل دولت اسرائیل را فرصتی برای "تجدید شریعت سنتی یهود که می کوشد با عدالت، انصاف، عشق و محبت و صداقت و درستی، روابط زن و مرد را کنترل کند" می دانستند این تجدید هنوز صورت نگرفته است. حقیقت تلخ این است که اجرای عملی شریعت یهود بر مبنای امروزی در دادگاه‌های خاخامی در اسرائیل و جوامع یهودی در سراسر جهان، به آن موازین سنتی دست نیافته است. در واقع شریعت یهود آنگونه که مورد استفاده دادگاه‌های خاخامی بوده، منشاء بی‌عدالتی، نابرابری و تبعیض به ویژه در رابطه با زنان بوده است. به گفته منتقدان در حال حاضر زنان یهودی قربانی نقض حقوق بشرند چرا که آنهاکه به قضاوت در دادگاه‌های خاخامی مشغولند، شریعت یهود را تحریف می‌کنند و از آن تفسیر غلط ارایه می‌دهند. اما خیلی که خوش‌بین باشیم، خلاقیت راوکوک به صورت پراکنده صورت گرفته است و به ثمرنشستن شریعت یهود که رهبران شریعت یهودپیش از تشکیل حکومت آن را پیش‌بینی کرده بودند، اتفاق نیفتاده است.

ویژگی شریعت یهود در سرتاسر تاریخ یهود، پیشرفت و تحول پیوسته و بی‌وقفه آن بوده است. شریعت یهود و رشد آن به عنوان جزء لازم میراث دینی و فرهنگی قوم یهود، نتیجه اندیشه انتزاعی و تحقیقات بی‌روح دانشگاهی نبوده است، بلکه حیات و روح شریعت یهود نتیجه استفاده از آن برای [حل] مشکلات روزمره یهودیانی که در جوامع سراسر دنیا زندگی می‌کنند بوده است. شریعت یهود به عنوان یک نظام زنده، کارا و عملی، عامل اصلی حفظ وحدت قوم یهود در هر کجا که یهودیان می‌زیسته‌اند چه در ورشو یا قاهره، بغداد یا برلین پاریس یا مسکو بوده است.

امروزه به دلایل مختلف سیاسی، تاریخی و فرهنگی شریعت یهود بر مبنای امروزی تنها در حوزه ازدواج و طلاق کاربرد دارد. از این رو می‌توان انتظار داشت که حوزه قانون خانواده بیشترین بهره را از پیشرفت و تحول سازنده شریعت یهود ببرد. زندگی مدرن با تغییرات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی خود باید تغییرات متناسب در شریعت یهود ایجاد کرده باشد به گونه‌ای که نیازهای شرایط جدید اجتماعی و قانونی قوم یهود در اسرائیل و نیز یهودیان آواره را برآورد.

طرح مرکز زنان در شریعت یهود این بود که شریعت یهود باید هسته مرکزی برنامه آموزشی نهادهای تربیت خاخام باشد. قوانین مربوط به ازدواج و طلاق باید مورد توجه و تأکید خاص

قرار گیرد زیرا در این دو حوزه است که شریعت یهود بر مبنای روز، در پرونده های واقعی کاربرد دارد. در بیشتر جوامع یهود، تشکیلات ارتدوکس همواره بر تعیین قضات دادگاه های خاخامی نظارت داشته اند. در نتیجه، پیشرفت و تحول شریعت یهود در حوزه ازدواج و طلاق، دیدگاه های دینی، اجتماعی و فرهنگی جامعه (Yeshiva) تشکیلات ارتدوکس را منعکس می کند. بسیاری از ناظران و منتقدان بر این باورند که شریعت یهود در نتیجه این حق انحصاری ارتدوکس و فزاینده آن و عدم تمایل به یافتن راه حل هایی برای مشکلات جدید به ویژه در حوزه طلاق از فقدان پیشرفت و تحول سازنده رنج می برد. زنان به طور خاص به بی عدالتی و نابرابری موجود در دادگاه های خاخامی گرفتاراند و قصه شرم آور و دردناک (Aguno) را همگان می دانند.

علاوه بر این، مرکز زنان در شریعت یهود، در نظر داشت مجموعه آثاری حاوی پرونده های واقعی (Agunot) از زنانی که شوهرانشان آنها را طلاق نمی دهند را که به موجب آنها دادگاه های خاخامی نتوانسته بودند این زنان را از ازدواج های ناخواسته که وجود خارجی ندارد، رهایی بخشد، منتشر کند. این مرکز با بهره گیری از کادری متشکل از زنان متخصص در شریعت یهود، و «حکمی جایگزین و متفاوت با قبل» بر مبنای تحقیقاتشان درباره منابع شریعت یهود، به رشته تحریر در خواهد آورد. این، «احکام جایگزین» منتشر و در سطح وسیع بین قضات دادگاه های دینی مهم، خاخام ها، دانشمندان و فعالان حقوق زنان در سراسر دنیا توزیع خواهد شد.

اهداف این مرکز عبارتند از:

الف- آموزش شریعت یهود به متخصصان دینی، رهبران غیر روحانی و مردم عادی

ب- توسعه کادر زنان متخصص در شریعت یهود

ج- تأسیس مرکزی برای تحقیق و پژوهش درباره شریعت یهود

د- انتشار مجله علمی شریعت یهود یا افزودن بخشی درباره رویه قضایی فعلی یهود به یکی از مجلات علمی موجود مربوط به جنبش محافظه کار

ه- انتشار و پخش اطلاعاتی درباره موضوعات مربوط به شریعت یهود در بین سطح وسیعی از مخاطبان از جمله دانشجویان، متخصصان (خاخام ها، وکلا، قضات، سیاستمداران، معلمان، مددکاران و غیره)، اعضای انجمن های محافظه کار و عموم جامعه.

این مرکز درصدد بوده به طور خاص به فعالیت‌های زیر بپردازد:

الف- مطالعه و بررسی پایه تاریخی شریعت یهود، مبتنی بر مطالعه عمیق و کامل منابع و نیز ادبیات (Responsa)

ب- بازنگری پرونده‌های داوری شده در دادگاه‌های خاخامی در سراسر دنیا، اجرای شریعت یهود در احکام و آرای گذشته و حال. مقایسه تفاسیر ممکن به لحاظ نیازهای اجتماعی و اقتصادی جدید؛ تهیه و تنظیم احکام جدید.

ج- مطالعه و بررسی قوانینی (Takkanot) که در طول تاریخ به ویژه در قرن اخیر توسط خاخام‌ها و دانشمندان صادر شده است.

د- تهیه و تنظیم قوانینی (Takkanot) که می‌تواند پاسخگوی نیازهای شرایط اجتماعی و حقوقی پیش آمده جدید باشد.

ه- تأسیس [نهاد] «نظارت بر شریعت یهود» که بتواند رأی‌های دادگاه‌های خاخامی در سراسر دنیا را کنترل کند.

و- انتشار خبرنامه‌ای به صورت فصلنامه حاوی گزارش پرونده‌های احکام و آرای دادگاه‌های خاخامی به همراه رأی «جایگزین» ارائه شده از ناحیه «بت حمیدراش».

ز- تأسیس مرکز اطلاعاتی که مواد و اطلاعات شریعت یهود و یادداشت‌های مربوط به موضوعاتی خاص را در اختیار متخصصان (خاخام‌ها، وکلا، قضات و وکلای مدافع خاخامی)، رهبران غیر روحانی، سیاستمداران، دانشمندان و زوج‌های یهودی که خود را برای ازدواج یا طلاق آماده می‌کنند قرار دهد.

ح- انتشار مجله‌ای علمی در باب شریعت یهود.

ط- تولید برنامه‌ای رادیویی که شریعت یهود را تا آنجا که به پرونده‌های جاری پیش روی دادگاه‌های خاخامی مربوط می‌شود به بحث و گفتگو بگذارد و باتدارک برنامه ارتباط مستقیم تلفنی، به شنوندگان امکان دهد درباره مشکلات خود در باب شریعت یهود با یک متخصص بت حمیدراش به گفتگو بپردازند.

ی- تولید برنامه تلویزیونی کابلی همانند برنامه زنده رادیویی پیش گفته.

این مرکز، علت تأسیس خود را اینچنین بیان می‌کند: مدرنیته با تغییر و تحولات بی‌شمار اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی خود باید تغییرات مشابهی در شریعت یهود ایجاد کند. تاکنون تغییرات کافی و مناسب صورت نگرفته است؛ زنان دانشمند پس از انتشار اولین شماره "نظارت بر شریعت یهود؛ وضعیت دشوار (Agunah) در ژانویه ۲۰۰۰، دیدگاه خود درباره پرونده واقعی يك (Agunah) که سال‌ها در دادگاه خاخامی بدون راه‌حل، ضایع شده بود در ۱۳ صفحه به رشته تحریر درآوردند. زنان دانشمند براساس تحقیقات خود درباره منابع سنتی و آرای خاخام‌ها در طول قرون، به ارائه "دستورالعمل‌های" پرداختند. دادگاه‌های خاخامی برای رها ساختن زن یهود از ازدواجی که وجود خارجی ندارد، لازم است این دستورالعمل‌ها را مورد بررسی قرار دهند. این دانشمندان در تحقیقات منتشر شده خود بیان داشتند که هدف آنها این است که دادگاه‌های خاخامی را وادارند تا همانند دادگاه‌های مدنی احکام و آرای خود را به موقع و به صورت منظم منتشر کنند و دادگاه‌های خاخامی را ترغیب کنند تا برای رها ساختن (Agunot) در دنیای معاصر، از ابزار ی که در اختیار آنهاست استفاده کنند.

این اثر با پانوشت‌های فراوان خود، بین بیش از هزار خاخام و قاضی دادگاه دینی در سراسر جهان توزیع شد. زنان دانشمند در پیشگفتار این اثر نگاشتند که «ما از پاسخ خاخام‌ها، قضات دادگاه‌های دینی، وکلا، دانشمندان و عموم مردم به این نمونه پژوهی استقبال می‌کنیم» با کمال تعجب و شغف قضات دادگاه‌های مهم دینی در پاسخ اظهار داشتند که برداشت زنان همواره مناسب یا صحیح نبوده است. زنان دانشمند با دفاع از رویکرد خود به این اظهارات پاسخ دادند و برای نخستین بار در تاریخ یهود، مذاکره‌ای میان زنان و مردان متخصص در شریعت یهود صورت گرفت. با توجه به این که زنان دانشمند، نمونه پژوهی‌های بیشتری را منتشر کردند، مذاکره میان رهبران مذهبی مرد و زن ادامه یافت.

تا به امروز هفت نمونه پژوهی منتشر و توزیع شده است. علاقه و توجه مردم به این طرح، فراوان بوده است و پوشش رسانه‌ای آن در مطبوعات یهودی سراسر جهان و نیز تلویزیون و اینترنت آن را تشدید کرده است. مذاکره ادامه دارد و تردیدی نیست که رویکرد عالمانه زنانی که به دنبال حل مسئله (Agunot) هستند، به ثمرنشته است. رهبران جامعه یهود از رهبران مذهبی خود خواسته‌اند تا به این بی‌عدالتی رسیدگی کنند و برای آن راه‌حلی بیابند. رهبران مذهبی به این فشار عمومی پاسخ داده‌اند؛ آنها تلاش کرده‌اند تا به تدریج در تفسیر خود از شریعت کهن یهود، خلاق‌تر و جسورتر باشند. برخی از خاخام‌ها و قضات دادگاه‌های مذهبی راه‌حلی یافته‌اند



و موفق شده‌اند زنان یهود را از ادواج‌های ناخواسته‌ای که وجود خارجی ندارد رهایی بخشند. این راه‌حل‌ها غالباً مبتنی بر نتیجه تحقیقات زنان دانشمندی است که آن دسته از منابع دینی را که مورد فراموشی یا بی‌اعتنایی بوده‌اند، یافته‌اند.

### نتیجه

در حالی که مشکل بی‌عدالتی زنان یهود خواهان طلاق شرعی از آن رنج می‌برند، همچنان به قوت خود باقیست تردیدی نیست که تلاش‌های زنان دانشمند معاصر، فعالان حقوق زنان و سازمانهای زنان تأثیر عمده‌ای داشته است. زنان یهود، دیگر در سکوت رنج نمی‌کشند. صدای آنها شنیده می‌شود. جوامع یهود در سراسر دنیا به حرکت در آمده‌اند تا عدالت و انصاف را به طلاق شرعی باز گردانند. زنان یهودی معاصر در یهودیت کهن ابزاری یافته‌اند که اطمینان می‌دهد که احترام به شرافت انسانی، انصاف و حمایت از حقوق انسانی زنان و مردان، طلاق شرعی را هدایت می‌کند. آنها با این کار به ارزیابی و بررسی مجدد دین خود و تکالیف آن کمک کرده‌اند. این زنان یهودی مستقل معاصر، با استفاده از دانش و تجارب خود، عنایت و تحسین یهودیان غیر مذهبی و نیز یهودیان مقید به دین را به خود جلب کرده‌اند. بی‌گمان آنها چهره جدیدی از «زن شجاع» سنتی را خلق کرده‌اند.